

زبان عربی

** عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیار از گمان اجتناب کردید، یقیناً برخی از گمان‌ها گناهند!
- ۲) کسانی که ایمان آورده‌اند، بسیار از ظن خودداری کنند، پس برخی از گمان‌ها، گناه هستند!
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان بسیار، اجتناب کنید، زیرا برخی از گمان‌ها، یک گناهند!
- ۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چه برخی گمان‌ها گناهند!

۲- «قَدْ نَقَرْنَا مَقَالَ تَغْنِينَا مِنْ قِرَاءَةِ آلَافِ الْكُتُبِ، فَكُلُّ مَا يَزِيدُ مَعْرِفَتَنَا جَدِيرٌ بِالْاهْتِمَامِ»:

- ۱) گاهی با خواندن مقاله‌ای، از خواندن هزار کتاب بی‌نیاز می‌شویم، و هرچه شناخت ما را زیاد کند، شایسته است به آن توجه کنیم!
- ۲) گاهی یک مقاله را می‌خوانیم که ما را از خواندن هزاران کتاب، بی‌نیاز می‌کند و هرچه معرفت و شناخت ما را زیاد کند، شایسته توجه است!
- ۳) شاید مقاله‌ای را بخوانیم که ما را از مطالعه هزاران کتاب بی‌نیاز گرداند، پس همه آن‌چه که شناخت ما با آن زیاد می‌شود، شایسته اهتمام بیشتری می‌باشد!
- ۴) ممکن است مقاله بخوانیم و از قرائت هزار کتاب دیگر بی‌نیاز شویم، پس شایسته توجه است هر آن‌چه که شناخت ما را بالا می‌برد!

۳- «مَنْ يَسْخَرُ مِنْ زَمِيلِهِ فِي الصَّفِّ وَ يَضُرُّ غَيْرَهُ مِنَ الطُّلَبِ بَسُلُوكِهِ فَهُوَ لَا يَجِدُرُ بِالْاحْتِرَامِ»:

- ۱) کسی که هم‌کلاسی‌اش را مسخره نماید، و با رفتار خویش، به دانش‌آموزان دیگر در کلاس آسیب برساند، شایسته احترام نمی‌باشد!
- ۲) آن‌که با رفتار خود در کلاس، به تمسخر هم‌کلاسی‌اش بپردازد و دیگر دانش‌آموزان را آزار دهد، شایسته احترام گذاشتن نیست!
- ۳) هرکس در کلاس هم‌شاگردی خود را مسخره کند، و با رفتارش به دیگر دانش‌آموزان زیان رساند، شایسته احترام نیست!
- ۴) هر که در کلاس درس هم‌شاگردی‌اش را تمسخر کند، و به دانش‌آموزان غیر خود با رفتارهایش ضرر بزند، شایسته احترام نخواهد بود!

۴- «كَثِيرًا نَرَى أَنَّ الْهَزَائِمَ الْمُتَتَالِيَةَ أَثَّرَتْ تَأْثِيرًا فِي نَفْسِ الْكَاتِبِ ظَهَرَ فِي قَلَمِهِ»:

- ۱) بسیار می‌بینیم که شکست‌های متوالی در درون نویسنده تأثیر گذاشته که در قلمش آشکار شده است!
- ۲) شکست‌هایی که در قلم نویسنده به‌طور عمیق تأثیر گذاشته و آشکار شده است، چیزی است که بسیار دیده می‌شود!
- ۳) چه بسیار شکست‌های متوالی را که به‌طور عمیق در نفس نویسنده تأثیر گذاشته و در قلمش آشکار شده، می‌بینیم!
- ۴) بسیار می‌بینیم که شکست‌های پی‌درپی در درون نویسنده، عمیقاً بسیار اثر گذاشته و در قلمش او آشکار شده است!

۵- «يَسِّنُ الْعَمَلُ الْأَسْتِهْزَاءُ بِالْعُيُوبِ الَّتِي نَجِدُ فِيهَا مِثْلَهَا فَإِنَّهُ مِنَ الْكِبَائِرِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ»:

- ۱) ریشخند کردن عیوبی که مانندش را داریم، بدترین کارست و آن یک گناه کبیره است که بخشیده نمی‌گردد!
- ۲) تمسخر عیب‌هایی که در خودمان مثل آن را می‌یابیم، کار بدی است و آن از گناهان کبیره‌ای است که آمرزیده نمی‌شود!
- ۳) تمسخر عیوبی که در خودمان مانند آن‌ها را پیدا می‌کنیم، بدترین کارست و بی‌تردید از گناهان بزرگی است که بخشیده نمی‌شود!
- ۴) بد عملی است ریشخند کردن عیب‌هایی که مانندش را در خود داریم و گناهان کبیره است و بخشیده نخواهد شد!

۶- «لَنْ يَهْتَدِيَ النَّاسُ فِي حَيَاتِهِمْ إِلَّا إِذَا أَقْبَلُوا عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ»: مردم

- ۱) در دوران حیات خویش هدایت نخواهند شد، جز این‌که به صراطی مستقیم روی آورده باشند!
- ۲) هدایت نمی‌گردند، مگر این‌که در زندگی خود به راه درست روی بیاورند!
- ۳) در زندگی خود، فقط زمانی‌که به راه مستقیم روی آورند، هدایت خواهند شد!
- ۴) تنها زمانی‌که به راه درست هدایت خواهند شد، که راه درست را بپذیرند!

۷- «عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ الَّذِينَ تَلْمِزُونَهُمْ خَيْرًا مِنْكُمْ فَتُوبُوا عَنِ الظَّنِّ السَّيِّئِ لِأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ»:

- ۱) شاید کسانی که از آن‌ها عیب می‌گیرید، خوب‌تر از شما باشند، پس از گمان بد توبه کنید، زیرا الله بسیار توبه‌پذیر است!
- ۲) چه بسا آنانی که از آن‌ها عیب گرفته‌اید از شما خوب‌تر هستند؛ از ظن بد توبه نمایید، زیرا خداوند توبه‌پذیر است!
- ۳) چه بسا کسانی که از آن‌ها عیب می‌گیرید، بهتر از شما باشند، لذا از گمان بد توبه کنید، پس خداوند توبه را می‌پذیرد!
- ۴) شاید کسانی که عیب آن‌ها را می‌گویید، بهتر از شما هستند، پس از گمانی که بد است، توبه نمایید زیرا خدا توبه‌پذیر است!

۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) لا تغنينا عن التجربة قراءة الكتب الكثيرة: با خواندن کتاب‌های زیاد، از تجربه بی‌نیاز نخواهم شد!
- ۲) لا أحسب في هذه الظروف القاسية عملاً متعلاً المحاوله: در این شرایط دشوار، تنها تلاش راه کاری لذت‌بخش می‌پندارم!
- ۳) لا ترداد عن ثقافة الشعوب معلوماتك إلا بالمطالعة المستمرة: فقط با مطالعه مستمر، اطلاعات درباره فرهنگ ملت‌ها زیاد می‌شود!
- ۴) هناك طائر قد بنى عشه فوق جبل مرتفع جداً: پرنده‌ای در آن‌جا لانه‌اش را بالای کوهی بسیار بلند ساخته است!

٩- عَيِّنِ الخَطَأَ:

- (١) إن تستمروا على محاولتكم في الحياة تحصلوا على نتائج غالية: اگر به تلاش هایتان در زندگی ادامه دهید، به نتایجی باارزش دست می‌یابید!
(٢) من يشاغب في الصّفّ و يسألُ تَعْتَنًا يُخْرَجُ منه: هرکس در کلاس شلوغ کند و به خاطر مچ‌گیری سؤال کند، از آن اخراج می‌شود!
(٣) إذا تَرِيدُونَ التَّجَاحَ فِي الْأُمُورِ فَحَاوِلُوا أَكْثَرَ فَكْثَرَ: هرگاه موفقیت در کارها را بخواهید، پس بیش‌تر و بیش‌تر بکوشید!
(٤) مَا قَرَّبَكَ مِنَ اللَّهِ يُبْعِدُكَ مِنَ النَّارِ و مَا بَعْدَكَ مِنْهَا يُقَرِّبُكَ مِنْهُ: هرچه تو را به خدا نزدیک کند، از آتش دور کرده و هرچه تو را از آن دور کرده به او نزدیک گردانیده است!

١٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ: «بهترین شما کسی است که خواندن قرآن را یاد می‌گیرد و آن را به دیگران یاد می‌دهد»:

- (١) خَيْرٌ مِنْكُمْ مَنْ يَعْلَمُ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَ يُعَلِّمُهُ الْآخِرِينَ!
(٢) خَيْرُكُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَ يُعَلِّمُهُ الْآخِرِينَ!
(٣) الَّذِي يَعْلَمُ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَ يَعْلَمُهُ إِلَى غَيْرِكُمْ فَهُوَ خَيْرُكُمْ!
(٤) الْأَفْضَلُ هُوَ الَّذِي يَتَعَلَّمُ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ وَ يَعْلَمُهُ الْآخِرِينَ!
** اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَبُ النَّصَّ:

تعدّ كرة القدم الرياضة الأشهر منذ سنين على مستوى العالم. تتشكّل لعبة كرة القدم من فريق يحتوى كلّ فريق على أحد عشر لاعباً إضافة إلى تسعة لاعبين آخرين و يحقّ لكلّ فريق أن يبدّل مدرّبه (مربی) ثلاثة لاعبين في المباريات الرسمية المُعتمَدة (رسمی). تلعب كرة القدم في ملعبٍ على شكل مستطيل مع وجود مرمى لكلّ فريق. تلعب كرة القدم بالأرجل إلّا أنّ الحارس هو اللّاعب الوحيد الذي يُسمح له بأن يمسك الكرة بيديه شرط أن يكون داخل حدود مرماه لكنّ باقي اللّاعبين فيمسمح لهم باللّعب بالأرجل و الرأس فقط. يُعتبر الحكم الهدف تسلاً إذا كان اللّاعب أقرب إلى خط مرمى في الوقت الذي يكون لاعبي الخصم خلفه.

١١- لم يتحدّث النَّصُّ عن

- (١) قوانين لعبة (٢) عدد لاعبي (٣) أخطاء (٤) وقت مباراة
١٢- عدد جميع لاعبي كرة القدم لفريق يكون لاعباً. (حسب النَّصِّ)
(١) ثمانية عشر (٢) إثنين و عشرين (٣) أحد عشر (٤) عشرين

١٣- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (١) لا يجوز أن يبدّل المدرّب إلّا لاعبين في السباق!
(٢) إن لم يلعب لاعبٌ في المباراة فهو يعدّ لاعباً احتياطياً!
(٣) لا يُعقد كلّ مسابقة إلّا بين اللّاعبين الرّئيسيين على التّوام!
(٤) كرة القدم لعبة جماعية لأنّ أكثر أربعين لاعباً يلعبونها!

١٤- عَيِّنِ الخَطَأَ:

- (١) لا يجوز لحارس المرمى أن يرمى الكرة بيده إلّا من حدود مرماه!
(٢) إن يسجّل المهاجم الهدف و كان في التسلّل فالحكم يرفضه!
(٣) لا يحقّ كلّ لاعب إلّا أن يستفيد من رجليه و رأسه إلّا حارس المرمى!
(٤) أيّ لاعب يكون أمام اللّاعب الذي معه الكرة ليس في التسلّل حتى إذا لم تصله الكرة!

** عَيِّنِ الخَطَأَ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

١٥- «تتشكّل»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - معلوم / فعل و فاعله «لعبة»
(٢) مزيد ثلاثي - مصدره «تشكيل» - لا يأخذ المفعول / مع فاعله «لعبة» جملة فعلية
(٣) ماضيه «تشكّلت» - له حرفان زائدان - مادّته «ش ك ل» / فعلٌ و الجملة فعلية
(٤) من الأفعال المضارعة - لازم - مفرد مؤنث غائب / فعلٌ و الجملة فعلية

١٦- «يعتبر»:

- (١) من الأفعال المضارعة - له حرفان زائدان - يأخذ المفعول / فعل و فاعله «الحكم»
(٢) ماضيه «اعتبر» - من باب افتعال - مادّته «ع ب ر» / فعل و مفعوله «الهدف»
(٣) للغائب - مزيد ثلاثيٌ - مصدره: «اعتبار» على وزن «افتعال» / فعل و له فاعل
(٤) فعلٌ مضارع - له ثلاثة حروف أصلية - مفرد مؤنث غائب / فعلٌ و الجملة فعلية

١٧- «مُعتمَدة»:

- (١) اسم مفعول من المزيد الثلاثي - مفرد - مادّته «ع م د» / صفة
(٢) له ثلاثة حروف أصلية - من مصدر «اعتُمد» / صفة للموصوف «الرسمية»
(٣) اسم فاعل من فعل له حرفان زائدان - مفرد - مؤنث / صفة
(٤) مفرد و يجمع على «مُعتمدات» - نكرة - حروفه الزائدة «م ت» / صفة

١٨- عَيِّنِ الخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الكَلِمَاتِ:

- (١) رَبٌّ كِتَابٌ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ ثُمَّ لَا يُخْرَجُ مِنْهُ بِفَانِدَةً!
(٢) أَنَا وَائِقٌ أَنْ كُلَّ كَاتِبٍ وَصَفَ نَابِلِيونَ بِأوصافٍ لَا تُشْبِهُ الْآخِرِينَ!
(٣) لَا يُمْكِنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَاتِ السَّنِينَ!
(٤) الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ وَ لِكُلِّ فَكْرٍ طَعَامٌ كَمَا تُؤْخَذُ أَطْعَمَةٌ لِكُلِّ جِسْمٍ!

** عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية رقم:

١٩- عَيِّن اسم التفضيل:

(١) لا أكرِّمُ الذي لا يساعد الضعفاء في الشدة!

(٣) من أضاف علم النَّاس إلى علمه فهو أعلمهم!

٢٠- في أيِّ عبارة جاء أسلوب الشرط؟

(١) ما اكتسبت من الجوائز في المسابقات قبل أسبوعين!

(٣) ما فاز من ارتكب الظلم في حق الآخرين!

٢١- عَيِّن اسم التفضيل مضافاً:

(١) أكرم الآخرين كثيراً يعطك الله أجر ذلك!

(٣) أكره الذين يحترمون جئادهم و يكرمونهم!

٢٢- عَيِّن الفعل الماضي يُترجم مضارعاً:

(١) مَنْ دعاكَ إلى الحضور في الضيف كان من زملائي!

(٣) من اتكأ على الأجانب حتَّى يدير شؤون البلاد كان منهم!

٢٣- عَيِّن الخطأ في اسم التفضيل:

(١) سوف نعلن الدراسات الأعلى بعد شهر واحد من السنة الجديدة!

(٣) أحسب بنتي أذكى طالبة في مدرستها لأنَّها كسبت أعلى درجة!

٢٤- عَيِّن من ليست شرطية:

(١) من أراد المساواة و العدالة فليبحث عنهما في المقابر!

(٣) من دخل في الصفّ قبل مدير المدرسة في الصباح!

٢٥- عَيِّن الخبر اسم مكان:

(١) هذه مواضع مفيدة لمن يريدون الوصول إلى النَّجاح!

(٣) روح القدس مُنزل القرآن من جانب ربّه بالحقّ!

(٢) لا يسمع هذا الرَّجُل شيئاً لأنّه أصمّ فلا تتكلّم معه!

(٤) في مدرستنا طالب ممتازٌ أحبّ كسبَ الجائزة في المُسابقات العلميّة!

(٢) مَنْ يطلب النَّجاح في الحياة فليجعل الكبار كأسوة له!

(٤) مَنْ يلتزم بالإحسان إلى المساكين هو مؤمن!

(٢) أنفع السائرين بما في وسعي رضاية لربّي!

(٤) أجدر النَّاس بالمحبّة من يساعد المحتاجين!

(٢) من درّس في الصّفّ جيّداً له مهارة كاملة في التّدريس!

(٤) من نصحك في غيبك و أترّك على نفسه فهو صديقك الصدوق!

(٢) الغالبية العظمى من سكّان القرى لديهم مشكلة فقدان الفيتامينات!

(٤) الغاية الكبرى من خلق الإنسان هو تحقيق عبوديّة ربّه!

(٢) كلمة لا إله إلا الله حصنى و من دخل حصنى أمن من عذابي!

(٤) مثل أهل بيتي فيكم كمثّل سفينة نوح ، من ركب فيها نجا!

(٢) تلك مواضع التّهم فيبعد الإنسان العاقل عنّة في حياته!

(٤) إتمام مكارم الأخلاق كان من أهداف بعثة الأنبياء!